



انجمن علمی دانشجویی تحول در علوم انسانی  
دانشگاه فردوسی مشهد

# اندیشه

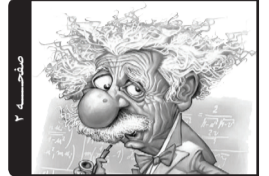
فصلنامه علمی-تئوریک اندیشه پایدار ■ شماره مجوز: ۹۵۳۰۴۴ از دانشگاه فردوسی ■ سال ششم ■ شماره دهم ■ بهار ۱۳۹۶ ■■

در این شماره می‌خوانیم

## چه باید کرد؟!!

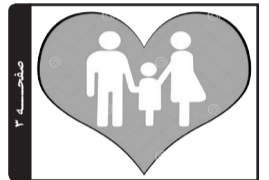
### مسأله!

درباره چیزهایی که می‌آموزیم ولی هیچ‌جای این مملکت کاربرد ندارد



### حق من کجاست؟!!

مروری کوتاه بر لزوم برابری یا عادلانه بودن حقوق زن و مرد



گفتگوی اختصاصی اندیشه پایدار با دکتر یوسف رضایی

### باید در علوم انسانی نگرشی تحول‌گرایانه داشته باشیم



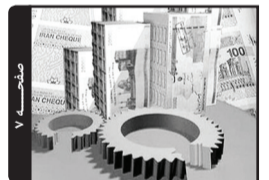
### رساله حقوق امام سجاد (ع)



### گفتمان‌سازی برای علوم انسانی اسلامی در جهت زمینه‌سازی برای ظهور



### اقتصاد تکراری!



## سرمقاله

دانست که این مهم با برگزاری جلسات هم‌اندیشی پیرامون این موضوع و طرح‌های مطالعاتی غنی، تا حدودی محقق می‌شود. سپس به بررسی نکات ضعف و قوت مبانی علوم انسانی رایج کشور پرداخت و با تضارب آرا به سمت منطبق شدن با مبانی اسلامی به پیش رفت. برآیند این پژوهش‌ها و جلسات باید در قالب کتاب‌ها و مقالاتی کاربردی، برای استفاده همگان منتشر شوند. البته این کارها مقدمه‌ای هستند برای رسیدن به تحولی همه‌جانبه و مثبت. مسلماً علوم انسانی در یک شب به این مرحله نرسیده است که با یک برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت تغییر کند و به نتیجه برسد؛ بلکه همراه با تلاش مداوم و خستگی‌ناپذیر، صبر و شکیبایی می‌طلبد تا آموزش منابع درسی دانشجویان و دانش‌آموزان با پایه‌های فکری و فرهنگی جدید به بار نشیند و آثار مثبت هم‌خوانی فرهنگ آموزشی و فرهنگ مردمی نمایان شود.

{ مریم حلاج، کارشناسی حسابداری ۹۲ }

بردگی خودخواسته و استعماری پنهان است. شواهد تاریخی و فرهنگ غنی و کهن اسلامی-ایرانی نشان می‌دهد آن زمان که غرب در جهل به سر می‌برد، مسلمانان در اوج شکوفایی علمی بودند. همان غربی‌ها که ما الآن به دنبال تقلید از آنها هستیم و برخی از روشن‌فکرانمان، بت‌گونه علوم انسانی آنان را می‌ستایند، آمدند و علوم اسلامی را فرا گرفتند و مناسب با فرهنگ خودشان، بومی‌سازی و کاربردی کردند. اگر بگوییم شروع و اوج شکوفایی غرب با فراگیری آثار علمی مسلمانان بوده است، گزاف نگفته‌ایم. پس صلاح در این است که به خودباوری برسیم و با دیدی انتقادی به علوم انسانی فعلی کشور نگاه کنیم و با تغییر مبانی غلط علوم انسانی فعلی به علوم انسانی اسلامی، زمینه‌ساز رسیدن به جامعه آرمانی و مدینه فاضله باشیم. مسلم است که پیشرفت فقط با حرف زدن حاصل نمی‌شود؛ پس چه باید کرد؟ شاید به جرأت بتوان مهم‌ترین عامل برای اسلامی‌سازی علوم انسانی را وجود دغدغه در میان قشر دانشجوی و فرهیخته

علم را فرا بگیرید حتی اگر نزد کافران باشد. پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله) با توجه به حدیث رسول (صل الله علیه و آله) بر ما لازم است که علم را از شرق و غرب فرا بگیریم، اما همان‌گونه که اسلام هم هنگام نزول، نکات مثبت دوران پیش از اسلام را تأیید و بخش‌های مذموم را نفی کرد، ما نیز باید علوم انسانی غربی و شرقی را اسلامی و بومی‌سازی کنیم. علوم انسانی خاص فرهنگ‌ها است؛ لذا هر فرهنگی علوم خاص خود را می‌طلبد. انسان و اجتماع موتور ماشین نیستند که در همه دنیا یکسان و یک‌شکل باشند. علوم انسانی مغایر با فرهنگ، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به افراد و اجتماع می‌زند. علوم انسانی علم تربیت است؛ تربیت افراد برای شکل دادن یک مدینه فاضله. روشنگری و تحقیق لازم است تا آحاد افراد جامعه متوجه این اهمیت انکارناپذیر علوم انسانی شوند. تقلید علوم انسانی از غرب و به دور از نگاه انتقادی، یک

# مسئله!

درباره چیزهایی که می‌آموزیم ولی هیچ جای این مملکت کاربرد ندارد

برشی از کتاب

کلام ولایت

## علوم انسانی روح دانش است

مایه و ریشه اصلی علوم کاربردی، علوم پایه است. یک روزی، یک چیزهایی گفته می‌شد که به گوش‌ها سنگین می‌آمد! من یک روزی مسأله «تولید علم» را مطرح کردم، بعد دیدم بعضی جاها نشستند روی کلمه «تولید علم» دارند خدشه می‌کنند. حالا یک مناقشه لفظی که علم قابل تولید نیست! امروز این به صورت یک گفتمان قطعی درآمده است. شماها گله‌مندید از اینکه این کار در مقطع خاص خودش پیش نمی‌رود؛ این خیلی پیشرفت است. بنابراین بایستی کار کرد. کار کنید، فکر کنید. حتما تأثیر دارد.

از من سؤال شد نظرم در مورد علوم پایه چیست؟ همین‌طور که اشاره کردند، من چندین بار راجع به علوم پایه بحث کرده‌ام. من علوم پایه را خیلی مهم می‌دانم. من یک وقتی گفتم علوم پایه در مقایسه با علوم کاربردی‌ای که ما داریم، مثل یک ذخیره بانکی است در مقابل پولی که شما توی جیب‌تان می‌گذارید.

شما برای خودتان یک مقدار ذخایر بانکی دارید که پشتوانه کار شما، مایه امید شما، منشأ درآمدهای شما، آن است. البته یک مقدار هم پول توی جیب‌تان می‌گذارید و خرج می‌کنید. نمی‌خواهیم جسارت کنیم؛ واقع قضیه این است.

این علوم کاربردی‌ای که امروز وجود دارد، اینها همه‌اش همین پول‌هایی است که ما داریم خرج می‌کنیم.

یک ملت مجبور است مهندسی داشته باشد، شهرسازی داشته باشد، صنایع داشته باشد، پزشکی داشته باشد، سلامت و درمان داشته باشد. اینها پول‌هایی است که روزانه داریم خرج می‌کنیم. اما مایه و ریشه اصلی این علوم، علوم پایه است.

علوم انسانی روح دانش است. حقیقتاً همه دانش‌ها، همه تحرکات برتر در یک جامعه، مثل یک کالبد است که روح آن «علوم انسانی» است. علوم انسانی جهت می‌دهد، مشخص می‌کند که ما کدام طرف داریم می‌رویم، دانش ما دنبال چیست؟ وقتی علوم انسانی منحرف شد و بر پایه‌های غلط و جهان‌بینی‌های غلط استوار شد، نتیجه این می‌شود که همه تحرکات جامعه به سمت یک گرایش انحرافی پیش می‌رود.

امروز دانشی که غرب دارد، شوخی نیست. چیز کوچکی نیست. دانش غرب یک پدیده بی‌نظیر تاریخی است، اما این دانش در طول سال‌های متمادی در راه استعمار به کار رفته، در راه برده‌داری و برده‌گیری به کار رفته، در راه ظلم به کار رفته، در راه بالاکشیدن ثروت ملت‌ها به کار رفته؛ امروز هم که می‌بینید چه کار دارند می‌کنند.

این بر اثر همان فکر غلط، نگاه غلط، بینش غلط و جهت‌گیری غلط است که این علم با این عظمت - که خود علم یک چیز شریفی است، یک پدیده عزیز و کریمی است - در این جهت‌ها به کار می‌افتد.

{ بیانات رهبری در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی، ۱۳۹۰/۰۷/۱۳ }

دست‌گاه فکری تو را قرم‌قات کرده است. چیزهایی یادت داده است که در هیچ کجای این ملک به کارت نمی‌آید و اتفاق را در ممالکی که از ایشان علم را ترجمه کرده‌ایم، بیش‌تر به کار می‌آید. چه باید کرد تا خود را عاطل و باطل نپنداریم؟ راهی نداری جز این که بروی سراغ اصل سرچشمه و مظهر آب...

دانش‌گاه ما از زنده‌گی مردم کشورش فاصله گرفته است. نه دانش‌گاه که کل سیستم آموزشی ما از چنین داء معضل و کار بی‌بیرون‌شدی رنج می‌برد.

سوالی از بیرون به دانش‌گاه ما ارائه نمی‌شود. صنعت هرگز دانش‌گاه را در حد و اندازه‌ای نمی‌داند که از او سؤال بپرسد. او طاقت دیدن ریخت اتوکشیده یک استاد متفرعن را ندارد که بدون این که حتا تابه‌حال یک قابلمه واقعی طراحی کرده باشد، از صدر و ذیل صنعت انتقاد می‌کند.

دانش‌گاه هم توان گفت‌گو با صنعت‌گر روغنی دست‌به‌آچار خسیس را ندارد. کسی که حتا حاضر نیست یک بخش یک اتاقه تحقیق و توسعه (R&D) در کارخانه‌اش راه بیندازد. هر دو هم حق دارند. یا دست کم این‌گونه می‌پندارند.

در همه جای دنیا دانش‌گاه ساخته می‌شود تا مشکلات علمی آن کشور را حل نماید، اما در جهان سوم مسأله جور دیگری است.

این جا دانش‌گاه ساخته نشده است. دانش‌گاه ترجمه شده است.

#نظام آموزشی

---  
رسم‌الخط متن، بر اساس نظر نویسنده است.

{ رضا امیرخانی، نشت نشا }

طراحی کنید پره شوفاژی را به صورت مثلث متساوی‌الساقین با قاعده  $a$  و زاویه رأس  $O$  که از انتهای آن وزنه‌ای به وزن  $M$  آویزان است، به صورتی که کم‌ترین خمش (خیز) را داشته باشد، و توأمان بیش‌ترین انتقال حرارت را.

ضمناً به دلیل محدودیت جا، ماده‌ای را برای ساخت آن انتخاب کنید که کم‌ترین ضریب انبساط طولی را داشته باشد... یک مسأله مشکل پارامتریک! یک لغز! یک چیستان مزخرف! و البته از دید آقایان، انتهای سؤال علمی! علم به معنای ترجمه‌ای آن.

برای حل آن، تصویر سیاه و سفید جد و آبادت پیش چشم می‌آید و از ریاضی دبستان تا معادلات دیفرانسیل دو را باید از بر باشی.

اما... خیال می‌کنی با حل آن گره‌ای از مشکلات فروبسته این مملکت حل می‌شود؟ فرداروز که فارغ‌التحصیل و جویای کار، رفتی در یک ساختمان و زیر دست یک تأسیساتی شروع کردی به نصب شوفاژ، جرینگی می‌فهمی که این مسأله نه به درد دنیایت خورده است و نه به درد آخرت. دو زاری‌ات می‌افتد و می‌فهمی که دانش‌جویان زرنگ‌تر از تو، همان موقع

این را دریافته بودند که چنین

مسائلی را دودره می‌کردند

و از رو دست تو کپی

می‌کردند.

می‌بینی چیزهایی

را آموخته‌ای که در

هیچ جای این مملکت

کاربرد ندارد. چهار سال

یا شش سال یا هشت

سال زنده‌گی دانش‌جویی،

فقط تو را از زنده‌گی واقعی

دور کرده است؛ همین.

تازه نه فقط به اندازه

همین مدتی که وقت

صرف کرده‌ای که پاره‌ای

اوقات به قاعده یک عمر از

زنده‌گی پرت می‌افتی! چرا؟

برای این که دانش‌گاه،

## شناسنامه

فصل نامه علمی-تئوریک اندیشه پایدار

شماره مجوز از کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه فردوسی مشهد: ۹۵۳۰۴۴

سال ششم ■ شماره دهم ■ فروردین ۱۳۹۶

صاحب امتیاز: انجمن علمی بین رشته‌ای تحول در علوم انسانی

مدیرمسئول: مریم حلاج ■ سردبیر: محدثه نخودچی ■ دبیر تحریریه: مریم حلاج

هیأت تحریریه: فائزه اربابی، مریم حلاج، زهرا رحمان‌زاده کرمانی، سمیه زارعی، سادات،

حمیده فیاض‌کارده، معصومه ملاحسینی، محدثه نخودچی

استاد مشاور: دکتر روح‌الله اسلامی استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

با سپاس فراوان از دکتر یوسف رضانی مدیر گروه مدیریت مؤسسه آموزش عالی عطار

ویراستار: یگانه پوینده‌فر ■ طراح و صفحه‌آرا: رضا صدرا



# حق من کجاست؟!

مروری کوتاه بر لزوم برابری یا عادلانه بودن حقوق زن و مرد

تمامی افراد در جامعه حقوق و تکالیفی دارند و مبنای وضع حقوق و تکالیف بر اساس مکاتب متفاوت است؛ اما بهرآسانی ادعای مطرح شده در کدام مکتب نافع و قابل اتکاتر است؟

از نظر عقل‌گرایان «تنها با عقل محض می‌توان حکم صادر کرد»، اما با این مبنا در احکام صادره در موضوعات مشابه، تفاوت دیده می‌شود. آیا در مکتبی دیگر و اعتقاد به نظر اکثریت، می‌توان انسان بی‌گناهی را اعدام کرد و گفت استحقاق صورت گرفته است؟

با هیچ منطقی نمی‌توان برای حقوق بشر فلسفه بنیادین تعریف کرد، بلکه باید برای استحقاق حق، معیاری جامع و مانع در نظر گرفت که بهترین معیار، میزان اسلام است که در تعریف حقوق بشر در دین بیان شده است. احکام نظام حقوقی ما نیز مترتب بر اوامر و نواهی دین و سنخش با میزان اسلام است.

در این خصوص در مباحث الهیات نظریات متفاوتی با عنوان مباحث مربوط به وحدت وجود و واحد بودن خدا به اثبات رسیده است که به دلیل مباحث مهم‌تر، از آن عبور کرده و به بحث اصلی یعنی تعیین کردن حقوق و تکالیف با میزان اسلام می‌رسیم.

این حقوق و تکالیف در رساله حقوق امام سجاد(علیه السلام) به طور دقیق اما خلاصه گفته شده است و مباحث تفصیلی آن در کتب مقدس و روایات آمده است. بیشتر احکام حقوقی ما پدیدآمده بر اساس اوامر و نواهی‌ای است که قرآن آنها را بیان کرده است. شاید علت این میانی و احکام به راحتی با ذهن محدود ما دست یافتنی نباشد، اما باید به این امر اظهار داشت که با پیشرفت علم و آگاهی بیشتر، می‌توان به این نتیجه دست پیدا کرد که بسیاری از جریان‌هایی که امروزه مطرح است در قرون پیش‌تر در شرع بیان شده است.

مطالبی که گفته شد، مقدمه‌ای از مباحث برای مطلع شدن از حقوق و تکالیف بود تا ضمن اشاره به تکالیف بر عهده ما، به بهترین معیار یعنی میزان اسلام نیز اشاره شود.

و اما در خصوص بیان مصادیق، وارد مسائلی می‌شویم که امروزه بیشتر مد نظر جوامع است که مهم‌ترین آن، مبحث حقوق زن و تبعیض جنسیتی است. مهم‌ترین سؤالی که در عالم حقوق مطرح می‌شود به این شرح است: «آیا اسلام حقوق زن را محترم شمرده است؟»

غربیان بر این باورند که اسلام دین مردان است و زن را انسانی تمام‌عیار نمی‌داند، زیرا علت مواردی از قبیل پرداخت نصف ارث یا یک دوم دیه به زن یا قرار دادن حق طلاق و ریاست خانواده بر عهده مرد یا قائل نشدن استقلال اقتصادی و اجتماعی برای زن، بر آنان نامشخص است. این‌گونه مسائل از جمله مواردی است که مورد اعتراض مدعیان تساوی حقوق زن و مرد قرار گرفته است. این درحالی است که انتخاب موارد مطرح شده به عنوان معیار، باطل است. مهم‌ترین اشکالی که می‌توان به مدعیان تساوی حقوق زن و مرد گرفت، بحث استفاده از واژه «تساوی» است و اینکه آیا مدعیان قائل به تساوی میان حقوق زن و مرد هستند یا قائل به «تشابه»؟ آیا تکالیف و حقوق مرد و زن باید مساوی باشد یا متشابه؟

با عرض مثالی این مبحث را تبیین می‌کنم: پدری ثروت خود را بین فرزندانش به‌طور متساوی تقسیم می‌کند اما نه به‌طور مشابه؛ مانند اینکه پدر هم تجارت‌خانه دارد و هم زمین زراعی، تجارت‌خانه را به یکی از فرزندان خود و زمین را به فرزند دیگر می‌دهد، با

توجه به اینکه از قبل استعداد فرزندانش را ارزیابی کرده و در یکی ذوق تجارت و در دیگری علاقه به کشاورزی دیده است. بنابراین تساوی به‌غیر از تشابه است. مسلماً اسلام حقوق مشابه برای زن و مرد قائل نیست، ولی هرگز برای مردان نسبت به زنان ارجحیتی قائل نشده است. در اسلام تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد در نظر گرفته شده است، اما در غرب به دلیل نادیده گرفتن تفاوت‌ها، سعی می‌کنند میان زن و مرد قوانین مشابه پدید آورند. لازمه عدالت و تساوی بین زن و مرد، عدم تشابه آنان در پاره‌ای از حقوق است. در قرآن قهرمان بسیاری از داستان‌ها چون زن فرعون و حضرت مریم(علیها السلام) هستند و قهرمانی منحصر به مردان نیست. لذا می‌بینیم که اسلام حضرت زهرا(علیها السلام) را بر تمام فرزندان او که امامند و همه پیامبران جز خاتم الانبیا(صل الله علیه و آله) برتر دانسته است؛ این است شخصیت والای یک بانو در اسلام.

بی‌شک میان زن و مرد تفاوت‌هایی وجود دارد که امروزه با توجه به پیشرفت‌های علمی، این تفاوت‌ها از پیش روشن‌تر شده‌اند. این مباحث، مباحث تازه‌ای نیست، چراکه افلاطون در کتاب جمهوری خود و ارسطو در کتاب سیاست به تفاوت‌های کیفی و کمی زن و مرد اشاره می‌کنند. از مهم‌ترین تفاوت‌ها، تفاوت‌های جسمانی و قدرت بدنی و تفاوت‌های روانی و روحی - احساسات و عاطفه در مقابل روحیه خشن و مبارز - نسبت به یکدیگر است. با توجه به اینکه مسائلی در باب مقام انسانی زن گفته شد، به بحث اصلی یعنی هماهنگی حقوق زن و خانواده با قانون خلقت و طبیعت می‌پردازیم.

بهترین پاسخ به این سوال طبق روایتی است که از امام رضا(علیه السلام) در این موضوع نقل شده است:

«فردی از امام رضا(علیه السلام) درباره چنین حکمی سوال کرده و به تزییع حقوق زنان اشاره کرد. امام در پاسخ به او فرمودند:

سهم زنان نصف مردان است از میراث و به‌خاطر آن است که زن هنگامی که ازدواج می‌کند، چیزی می‌گیرد و مرد ناچار است چیزی بدهد. به‌علاوه هزینه زندگی زنان نیز بر دوش مردان است.»

قبل از شروع بحث ارث، لازم است به دنیای قدیم اشاره شود که با به زن ارثی تعلق نمی‌گرفت و یا ارث داده می‌شد، اما برای او استقلال و شخصیت حقوقی قائل نمی‌شدند. دختر از هم‌قطعی در ارث محروم بود به علت جلوگیری از انتقال ثروت خانواده‌ای به خانواده دیگر.

از دیدگاه اسلام نفقه و مهر زن بر مرد تحمیل شده است در نتیجه اسلام از طریق دو برابر قرار دادن سهم‌الارث مرد، خواسته است این تحمیل را جبران کند.

اما توضیح مختصری که باید در خصوص مهر و نفقه داده شود به این شرح است:

مهر: مقدار مالی است که مرد به هنگام ازدواج، به زن می‌پردازد. در مواد ۱۰۷۸ تا ماده ۱۰۸۶ قانون مدنی به اصول کلی پرداخت مهریه چون تعریف مهر، نحوه تعیین مقدار مهر که با رضایت طرفین است، مالکیت مهر توسط زن که بلافاصله از زمان عقد دارد و امتناع از وظایف در مقابل شوهر در صورتی که مهر در حال باشد. قانون‌گذار نیز در جهت حمایت بیشتر از حقوق زن، تبصره‌ای به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی تحت عنوان پرداخت وجه رایج مهر متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه در زمان تأدیه و گرفتن مهریه افزوده است.

نفقه: در نظام حقوقی ایران وظیفه تأمین مخارج خانواده برعهده مرد است و او مکلف است نفقه زن را پرداخت نماید.

به‌عنوان نمونه در مورد استنکاف از پرداخت نفقه در ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی بیان شده است که زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه، به محکمه رجوع کند. در این صورت محاکم میزان نفقه را معین و مرد را به دادن آن ملزم و محکوم می‌کنند. همچنین ترک انفاق و یا خودداری از انجام وظایف دیگری که مرد مکلف به ادای آن است، موجب نشوز مرد می‌گردد. در این حالت زن می‌تواند به دادگاه مراجعه و در صورت احراز تمکین از سوی زن، میزان نفقه او را معین و زوج را محکوم به پرداخت نفقه زوجه کند.

در تکمیل این مباحث باید این نکته را افزود که در نگاه اسلام زن از حیث انسان بودن تفاوتی با مرد ندارد و با استناد به آیات قرآنی، زن و مرد در مسیر تعالی و قرب الهی کاملاً یکسان هستند؛ از جمله آیاتی که به اختصار به آنها پرداخته می‌شود به این شرح است:

- سوره توبه آیه ۷ در خصوص تساوی زن و مرد در مشارکت‌های اجتماعی و نظارت بر هنجارها

- سوره نساء آیه ۱ در خصوص تساوی زن و مرد در آفرینش

- سوره نساء آیه ۱۲۴ در خصوص تساوی زن و مرد در حق مالکیت و تصرف در اموال

- سوره احزاب آیه ۳۵ در خصوص تساوی زن و مرد در کسب صفات معنوی

- سوره اسرا آیه ۷۰ در خصوص تساوی زن و مرد در کرامت و ارزش انسانی

در پایان لازم است به این مطلب اشاره کرد که امروزه اقداماتی در سازمان ملل متحد مبنی بر صدور بیانیه و میثاق‌هایی البته نه به‌صورت کامل، در حوزه زنان صورت گرفته است؛ از جمله اعلامیه حقوق بشر، همچنین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی و نیز کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان که اهم اسناد بین‌المللی در خصوص حقوق زنان است.

{ محدثه نخودچی، کارشناسی حقوق ۹۴ }



# باید در علوم انسانی نگرشی تحول‌گرایانه داشته باشیم

که در این زمینه صورت گرفته است، چیست؟

به نظر من، هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا داشته باشد که هیچ کاری انجام نشده‌است، ولی این موضوع که آیا این کارها به اندازه رشد و تولید دانش در غرب بوده است یا نه، جای تأمل دارد. آیا ما هم به اندازه سرعتی که آنها به تولید دانش می‌پردازند، در جامعه به تولید دانش پرداخته‌ایم؟

هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا داشته باشد که هیچ کاری انجام نشده‌است، ولی این موضوع که آیا این کارها به اندازه رشد و تولید دانش در غرب بوده است یا نه، جای تأمل دارد. آیا ما هم به اندازه سرعتی که آنها به تولید دانش می‌پردازند، در جامعه به تولید دانش پرداخته‌ایم؟

گویا افراد به سمت نظریه‌پردازی ترغیب نمی‌شوند. در واقع، تئوری‌پردازی در جامعه ما خیلی ضعیف است؛ به این معنی که افراد تئوری‌پرداز نیستند و یا شاید جسارت تئوری‌پردازی ندارند. چرا که در جامعه ما، در حوزه علوم انسانی، ترس از مورد انتقاد واقع شدن وجود دارد. در واقع ما افراد محدودی داریم که بگویند «به نظر من...» و در برابر انتقادهای وارد شده پاسخ دهند: «من هم فردی هستم که در این جامعه زندگی می‌کنم و پژوهشی انجام دادم و به این نتیجه رسیدم که...».

حتی در بخش پایان‌نامه‌های دانشجویی، اگر منطق نظری پیشنهاد شده توسط دانشجو بر مبنای یک پژوهشگر غربی باشد، می‌گوییم منطق محکمی است. در حالی که اگر منطق یک پژوهشگر داخلی باشد، مورد نقد قرار می‌گیرد. من نمی‌خواهم تئوری‌های غربی را محکوم و یا رد کنم. شاید این نظریات در جامعه خودشان بهترین‌ها باشند، اما در علوم انسانی تمام تئوری‌ها اقتضایی هستند و ممکن است پاسخگوی نیاز جامعه ما نباشند. برای مثال، معمولاً پادشاهی که در سازمان‌ها پرداخت می‌شود، بر اساس الگوی پادشاهی کشورهای دیگر صورت می‌گیرد و می‌بینیم که انگیزه شغلی زیادی را در کارکنان ایجاد نمی‌کند. مثلاً در مورد ورود زنان به عرصه کار و امور اجتماعی، ماهیت ورود زنان به این عرصه، در غرب یک فلسفه دارد و در جامعه ما فلسفه‌ای دیگر. بنابراین، مدیریتی که بر زنان در جامعه‌ای مثل آمریکا یا انگلیس پیاده می‌شود، در ایران جواب نمی‌دهد. متأسفانه سازمان‌ها، منابع و

پیش‌بینی کرد، در حالی که وقتی یک کلید برق را می‌فشاریم، می‌دانیم که لامپ روشن می‌شود. برای فهم بهتر مطلب، توجه‌تان را به این نظریه در علوم انسانی جلب می‌کنم: نظریه مازلو که در آمریکا مطرح شد، بیان می‌کند که اگر نیازهای سطح پایین برآورده نشود، فرد به خودشکوفایی نمی‌رسد، در حالی که همین هرم در ایران و کشورهای اسلامی برعکس است.

بنابراین، این موضوع که باید در علوم انسانی نگرشی تحول‌گرایانه داشته باشیم، به این علت است که علوم انسانی را متناسب با جامعه، فرهنگ، ارزش‌ها و باورهای مردم آن جامعه تئوری‌پردازی می‌کنیم؛ زیرا در حال حاضر مشاهده می‌کنیم که در جامعه ما همین تئوری‌های غربی تدریس می‌شوند و اغلب مدیران ما نیز تئوری‌های غربی را پیاده می‌کنند. این تئوری‌ها بد نیستند؛ چون تئوری، در اصل بد نیست. به‌رحال دانش مانند رودی است که هرکس به تناسب نیازش بهره می‌گیرد، ولی نکته حائز اهمیت این است که در علوم انسانی، همه تئوری‌ها در تمام جوامع نتیجه مطلوب نمی‌دهند. اگر ما بر اساس باورها، فرهنگ و آنچه در کشورمان مرسوم است نظریه‌پردازی می‌توانیم درباره کاربردی کردن تئوری‌ها و مدل‌ها اقدام کنیم؛ در غیر این صورت، تئوری کاربردی نمی‌شود.

ارزیابی شما از فعالیت‌هایی

پیرامون موضوع تحول در علوم انسانی و وضعیت فعلی کشور در این زمینه، به گفت‌وگو نشستیم با دکتر یوسف رضانی، مدیرگروه رشته مدیریت مؤسسه آموزش عالی عطار، پژوهشگر برتر هشتمین جشنواره علمی-فرهنگی امام رضا (علیه السلام) در سال ۱۳۸۹ و پژوهشگر برتر دفتر آموزش و پژوهش استانداری خراسان رضوی در سال ۱۳۹۲.

طی سال‌های اخیر، برای برطرف کردن نقدهای وارد بر علوم انسانی، گفت‌مان تحول در علوم انسانی مطرح شده است. نظر شما در مورد این گفت‌مان چیست؟ چرا باید به دنبال تحول در علوم انسانی باشیم؟

سوال مهمی است. اگر علوم انسانی را به علوم احتمالی و غیراحتمالی و یا یقینی و احتمالی تقسیم کنیم، علوم انسانی جزء علوم یقینی نیست. برخلاف علوم مهندسی که در همه جا ثابت هستند. مثلاً روشن شدن یک لامپ و یا کارکرد کامپیوتر که در همه دنیا یک شیوه دارد.

به عبارت دیگر، همیشه مجموع یک و سه، برابر با چهار می‌شود. ولی علوم انسانی این‌گونه نیست؛ یعنی تئوری‌های علوم انسانی به مراتب ابطال‌پذیری بیشتری نسبت به علوم مهندسی دارند. گرچه ابطال‌پذیری در علوم مهندسی هم وجود دارد، ولی خیلی کم است.

علت چیست؟

علت این است که علوم انسانی درباره انسان بحث می‌کند و انسان پدیده‌ای است که در لحظه، بی‌شمار عوامل بر آن مؤثر هستند؛ برای مثال، نمی‌توان واکنش آقای «الف» در رابطه با یک رفتار مشخص را

به‌صورت قطعی



هزینه‌های زیادی را در راستای پیاده‌سازی الگوی‌های غلط از دست داده‌اند.

## - در وضعیت حاضر کاستی‌ها و ضعف‌های علوم انسانی را چه می‌دانید؟

اساسی‌ترین ضعف این است که نظریه‌پرداز نداریم. ما باید برای این کار، در علوم انسانی کرسی‌های نظریه‌پردازی بنا کنیم. البته خوشبختانه کرسی‌های نظریه‌پردازی در برخی شهرها مثل تهران برگزار می‌شود، ولی متأسفانه هنوز به اندازه کافی گسترش نیافته است.

## - راه ترغیب افراد به نظریه‌پردازی چیست؟

به نظر من برای نظریه‌پردازی، فرد باید در زمینه نظری که پیشنهاد می‌دهد، یک پشتوانه پژوهشی قوی داشته باشد، مانند رساله دکتری؛ یعنی فرد باید بر دانشی که در گذشته در این زمینه بوده است، مسلط باشد و بعد در همان زمینه نظر بدهد. در واقع می‌توان گفت نظریه‌پردازی از دکتری به بعد اتفاق می‌افتد.

## - به نظر شما چرا با وجود اینکه ما در کشورمان میانی مدیریت قوی بر اساس علوم قرآنی و اسلامی داریم، در بعضی از سازمان‌ها تمایل به پیاده‌سازی الگوهای غربی وجود دارد؟

به نظر من سطح قرآن را نمی‌توان به نظریه تنزل داد چون نظریه ابطال‌پذیر است، ولی قرآن درباره حقایق صحبت می‌کند و ابطال‌پذیر نیست. اما رهنمودهایی دارد که ما می‌توانیم به کمک آنها مثلاً در بحث مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در بحث مدیریت اداری، نظریه‌پردازی کنیم. حتی وقتی در نامه حضرت علی (علیه السلام) به مالک اشتر در باب اداره مصر دقت می‌کنیم، در عین حال که رهنمودهای اسلامی و قرآنی را در بر دارد، سراسر نکات مدیریتی است.

زمانی که از دانش قرآنی صحبت می‌کنیم، شاید برخی از افراد سهواً و یا عمداً ما را به اینکه به چیزی استناد

می‌کنیم که تست نشده است، متهم کنند. تمام دانش بشری از قرآن آمده است و لذا باید به قرآن مسلط بشویم و از دانش الهی به دانش بشری برسیم و نه برعکس. به نظر من اگر در زمینه علوم اجتماعی و علوم انسانی به دانشی که در دینمان وجود دارد مراجعه کنیم و بعد آن را با تئوری‌های غربی مقایسه کنیم، دستاورد این مقایسه، رسیدن به خودباوری است. این نکته را هم فراموش نکنیم که ما باید به دانش غربی و به اینکه آنها چه می‌گویند هم مسلط باشیم؛ چراکه تا ما منطق چیزی را ندانیم، نمی‌توانیم با آن مقابله کنیم و منطق خودمان را مطرح کنیم. اگر آن منطق با باورهای ما همخوانی نداشت، بعد برایش دلیل و سند بیاوریم که به این دلایل

منطق شما پاسخگوی نیاز جامعه ما نیست.

نکته دیگر آنکه گسستگی موجود بین حوزه و دانشگاه، آزاردهنده است. زیرا حوزویان فقط از دید حوزه و دانشگاهیان فقط از دید دانشگاهی به مسائل نگاه می‌کنند.

درحالی‌که اگر به دنبال تولید دانش بومی هستیم، باید نگاه اسلامی و نگاه تجربی به علم، هر دو تلفیق شوند تا یک دانش بومی ایجاد شود.

گاه پیاده‌سازی الگوهای غربی نتیجه مطلوب می‌دهد، ولی همیشگی نیست و ممکن است نتیجه عکس نیز داشته باشد.

## - محتوای فعلی دروس رشته مدیریت

در دانشگاه‌ها چقدر بر مبنای اصول اسلامی به تربیت مدیران کارآمد، خلاق و تحول‌گرا کمک می‌کنند؟ حرکت به این سمت چگونه میسر است؟

درباره اینکه آیا باید علم بودن مدیریت را پذیرفت یا هنر بودن آن را، بحث وجود دارد و به قول پیتر دراگر مدیریت آمیخته‌ای از علم و هنر است که به مرحله عمل درمی‌آید. وقتی این علم و هنر به مرحله عمل برسد، تئوری بومی تولید می‌شود. در واقع عملی کردن یک تئوری باید به اقتضای شرایط حاکم بر جامعه باشد. ما نمی‌توانیم

دانشی را که در حال حاضر در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود، برای پرورش مدیران خلاق رد کنیم، ولی به نظر من برای تقویت این زمینه باید نگاه استادان را به این موضوع تغییر دهیم؛ یعنی مثلاً زمانی که استاد در کلاس تدریس می‌کند، تئوری‌های رفتار سازمانی را بر اساس فرهنگ حاکم بر جامعه بیان کند. چون علوم انسانی علوم قطعی نیستند، موضوع را با بیان مصادیق موجود در جامعه بهتر می‌توانیم به دانشجویان تفهیم کنیم. خوشبختانه در این راستا حرکت‌های خوبی مانند برگزاری دوره‌های ضیافت اندیشه برای استادان از سوی دانشگاه‌ها صورت گرفته است.

نکته دیگر اینکه باید سرفصل‌های دروس مدیریت غنی‌تر شود؛ یعنی علومی به سرفصل‌ها اضافه شود که دانشجوی فرصت مقایسه علوم سایر جوامع با جامعه خودمان را در

## گاه پیاده‌سازی الگوهای غربی نتیجه مطلوب می‌دهد، ولی همیشگی نیست و ممکن است نتیجه عکس نیز داشته باشد.

دانشگاه داشته باشد.

## - پیشنهاد شما برای ارتباط بیشتر بین حوزه و دانشگاه چیست؟

برگزاری جلسات هم‌اندیشی فارغ از جهت‌گیری‌های سیاسی. چراکه اگر این جلسات توأم با جهت‌گیری سیاسی باشد، گاه نظر یک فرد با وجود درست بودن، به دلیل نگاه سیاسی محکوم می‌شود.

{ سمیه زارعی، کارشناس ارشد مدیریت تحول }  
{ مریم حلاج، کارشناسی حسابداری ۹۲ }

## کتابخانه

# رساله حقوق امام سجاد (ع)

✓ چگونگی تألیف:

نامه‌ای از حضرت علی بن حسین (علیه السلام) به یکی از اصحاب

قبل از بررسی و نگاه اجمالی به این کتاب، نکات مهمی قابل طرح است:

اول اینکه در این کتاب به اهم حقوق افراد پرداخته شده است و حقوق مربوط به محیط‌زیست و برخی از اشیا در این کتاب در برخی روایات به‌طور پراکنده نقل شده است. دوم اینکه رساله حقوق در نهایت اختصار به هریک از حقوق پرداخته و قسمتی از جوانب حق را مورد بررسی قرار داده است.

در این کتاب حقوق و تکالیفی به‌صورت متقابل ذکر شده است. اهم این حقوق، حقوق خداوند است و پس از آن حق اعضا و جوارح چون حقوق زبان، گوش، چشم، دست، پا و شکم که گزاره مهم هریک از این حقوق دوری از انجام امور حرام به‌وسیله آنها است. بعد از آن حق کارهایی است که خداوند بر عهده ما قرار داده است چون نماز، روزه، حج، صدقه و قربانی که نکته مهم این عبادت انجام خالصانه آن است. در آخر نوبت به حقوق دیگران می‌رسد که از همه واجب‌تر آن حق بالادستان سپس زیردستان و بعد خویشان است.

امام سجاد (علیه السلام) در ابتدای حقوق دیگران، به شعب مختلف آن می‌پردازد. حق سرپرست سه شعبه دارد که از همه واجب‌تر آن، حق کسی است که به‌وسیله قدرت‌ش امور تو را اداره می‌کند، سپس حق سرپرست علمی و آن‌گاه حق مولا نسبت به برده.

حق زیردستان نیز سه شعبه است و از همه واجب‌تر آن حق رعیت و توده مردم، از آن پس حق زیردست علمی و سپس آنها حق کسانی که تحت اختیار تو هستند. سپس به ترتیب به ذکر حقوق خویشان، حق کسانی که به تو احسان کردند، مؤذن نماز، امام جماعت، همنشین، همسایه، رفیق، بدهکار و طلبکار و کسانی که تو را نصیحت می‌کنند، پرداخته می‌شود.

تمامی این حقوق در حدود دو الی سه خط توضیح داده شده است و در آخر هر گزاره‌ای از حق، عبارت «لا قوّة الا بالله» گفته شده است که نشانی از شکر و اقرار به قدرت خداوند توسط پیشوای بزرگی چون امام زین‌العابدین (علیه السلام) است.

{ محدثه نخودچی، کارشناسی حقوق ۹۴ }

ترجمه رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)

# اصول جامعه اسلامی و اخلاقی

دیگر فردایی داشتن ممکن است.

۱۱. در جامعه اسلامی باید مروت به معنای حفظ دین و مکتب وجود داشته باشد.
۱۲. اعزاز النفس داشته باشید و به خود احترام بگذارید و در معرض بردن آبروی خود نباشید؛ زیرا که آبرو امانتی است از طرف پروردگار نزد شما.
۱۳. دارای ویژگی نلین و نرمش در حل مشکلات چون آب؛ نه مانند سنگ با خشونت و پر سروصدا.
۱۴. متعهد بودن نسبت به کارهایی که بر عهده گرفته‌اید.
۱۵. احترام گذاشتن به حقوق دیگران
۱۶. انسان دوستی و بشردوستی و اظهار آن
۱۷. فرد مؤمن، محال است گرسنه‌ای را در کناری ببیند و بدون سیر کردن او به راه خود ادامه دهد.
۱۸. انسان پست نباشید. پست یعنی کسی که به امور بی‌ارزش اهمیت می‌دهد.
۱۹. مؤمن کسی است که موارد اتفاق را از بهترین‌ها انتخاب می‌کند. مسلمان باید به این درک برسد که آن چیزی که می‌دهد، برای او باقی خواهد ماند.
۲۰. مسلمان به راحتی خود را با دیگران سازگار می‌کند و اکثریت را نسبت به خود راضی نگه می‌دارد.

آنان را برطرف می‌کند.

۶. نشان یک جامعه اسلامی و فرد مسلمان، قوی بودن و تسلیم‌ناپذیری در برابر مشکلات است؛ چه در نظام خانواده و چه در نظام جامعه به هنگام تحریم.
۷. فرد مسلمان اموری را که وظیفه بر انجام آن دارد، حتی اگر برخلاف میل او هم باشد، انجام می‌دهد، اما فرد کافر کسی است که صرفاً کارهایی را انجام می‌دهد که مطابق لذات او باشد.
۸. اتفاق به فرد نیازمند حتی به هنگام نداشتن وضع مالی مناسب
۹. عفو فردی که جرمی را علیه شما مرتکب شده است؛ حتی در ذهن مسلمان نیز سپرده نشود.
۱۰. نگاه مسلمانان به دنیا باید طوری باشد که انگار تا ابد در دنیا هستند و نگاه آنان به آخرت طوری باشد که انگار روز آخر عمر آنان است. این اصل با دو معنا مطرح می‌شود؛ نخست اینکه باید نسبت به مسائل دنیوی آرام و متین باشد و در عوض حرص بر مسائل دنیوی، باید حرص بر امور مربوط به رشد انسانیت و عقیدتی خود داشت. دوم اینکه برنامه‌ریزی برای دنیا باید وجود داشته باشد، اما در خصوص امور آخرت باید عجله کرد، چراکه

امام حسن(علیه السلام) در بیست اصل، ویژگی‌هایی را برای سبک زندگی در جامعه اسلامی ذکر می‌کند که به اختصار به توضیح آن پرداخته می‌شود.

۱. حلم، به معنای ظرفیت بالای تحمل و توانایی کنترل خشم و مدیریت بر خود. در جامعه اسلامی خشونت دیده نمی‌شود؛ چه در نظام خانواده و چه در نظام سیاست و چه در نظام‌های دیگر.
۲. دفع منکر به معروف: دو معنا از این اصل برداشت می‌شود. معنای اول در خصوص انتقام نگرستن از کسی که به شما بدی کرده است، البته باید افزود که این اصل در خصوص دشمنان اسلام و مسلمین صدق نمی‌کند؛ زیرا که تسلیم در برابر دشمن اسلام ذلت و بی‌اخلاقی است. دیگر معنای آن اشاره دارد به رسیدن به هدف اخلاقی با روش معروف و عادلانه.
۳. جامعه‌ای که اصالت لذاتی دارد و مصرف‌زده است، جامعه اسلامی نیست. در جامعه اسلامی باید لذات و رفتارها مدیریت شود.
۴. جامعه اسلامی به دنبال حفظ روابط و برقراری رابطه گرم با خویشان وندان است.
۵. جامعه اسلامی از همسایگان خود باخبر است و نیاز

## استاد می‌گوید

### باور کنیم نخبگان نقطه شروع تحول علوم انسانی‌اند

یکی از راه‌های تحول در علوم انسانی که بتواند نقدی به علوم انسانی مدرن وارد کند، تربیت نیروی انسانی است.

اگر قصد ایجاد تحول در علوم انسانی را داریم، باید نیروهایی تربیت کنیم که نگاه آنها ورای مشمولات علوم انسانی مدرن باشد.

یکی از راه‌های رسیدن به این امر مهم، تبیین متون درسی مبتنی بر تحول است.

برای رسیدن و تحقق تحول در علوم انسانی، می‌توانیم نگاه نقادانه را در بین نخبگان و دانشجویانی که در رشته‌های علوم انسانی فعالیت می‌کنند ترویج کنیم.

البته این تحول در صورتی میسر خواهد شد که نهادهای رسمی و دانشگاهی، حمایت‌های لازم را از بحث تحول در علوم انسانی داشته باشند.

{ دکتر شه‌ریار زرشناس، عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی }



## گفتمان سازی برای علوم انسانی اسلامی در جهت زمینه‌سازی برای ظهور

### یادداشت

در میدان مبارزه، هیچ فردی نمی‌تواند از حال دیگران غافل بماند، بلکه موظف است در هر جا که نقطه ضعفی تشخیص می‌دهد، آن را اصلاح کرده و موضع آسیب‌پذیر را ترمیم نماید.

۳. حل نشدن در فضای محیط:

یکی از آثار انتظار، عدم تسلیم در برابر آلودگی‌های جامعه است. هنگامی که فساد فراگیر می‌شود و بیشتر مردم را به آلودگی می‌کشاند، گاهی افراد پاک در یک بن‌بست روانی قرار می‌گیرند و از اصلاحات مایوس می‌شوند و فکر می‌کنند کار از کار گذشته است و دیگر امیدی برای اصلاح نیست. این ناامیدی ممکن است آنان را به صورت تدریجی به فساد و هم‌رنگی با محیط بکشاند و تنها چیزی که می‌تواند در آنها روح امید بدمد و به مقاومت و خویش‌نماری دعوت کند، امید به اصلاح نهایی و ظهور مصلح جهانی است.

در همین راستا، کوشش برای تغییر مبانی علوم انسانی غربی رایج به مفاهیمی مبتنی بر فرهنگ اسلامی و جایگزین کردن عنصر عقل بومی به جای نقل غربی، از جمله الزامات پیشرفت به سوی جامعه آرمانی و زمینه‌سازی برای ظهور است که با بررسی و برنامه‌ریزی‌های دقیق و تلاش مداوم امکان‌پذیر خواهد بود.

{ سرکارخانم سادات، کارشناس مرکز تخصصی مهدویت }

فردی که انتظار قیام مصلح جهانی را دارد، در واقع انتظار انقلاب و تحولی را دارد که وسیع‌ترین و اساسی‌ترین انقلاب‌های انسانی در طول تاریخ بشر است. انقلابی که همه شئون زندگی انسان‌ها را شامل می‌شود.

انتظار همیشه از دو عنصر نفی و اثبات تشکیل می‌شود؛ یعنی ناراحتی از وضع موجود و عشق و علاقه به وضعیت بهتر.

پس کسانی که در انتظار هستند، اگر در ادعای خود صادق باشند، باید این آثار در آنها آشکار شود:

۱. خودسازی فردی:

منتظر، همیشه باید خودساخته و آماده باشد. برای تحقق بخشیدن به چنین انقلاب عظیمی، انسان‌هایی مصمم، نیرومند، خودساخته، شکست‌ناپذیر و دارای بینش عمیق لازم است. خودسازی برای چنین هدفی، مستلزم به کار بستن برنامه‌های اجتماعی، فکری و اخلاقی است.

۲. خودسازی اجتماعی:

منتظر، علاوه بر خودسازی و اصلاح خویش، باید مراقب حال دیگران نیز باشد و در اصلاح دیگران و جامعه خود بکوشد.





## دانش جو

من به یک نمره ناقابل ده خشنودم  
و به لیسانس قناعت دارم  
من نمی‌خندم اگر دوست من می‌افتد  
من در این دانشگاه در سراسیمه کسالت هستم  
خوب می‌دانم کی استاد «کوئیز» می‌گیرد  
اتوبوس کی می‌آید  
خوب می‌دانم، برگه حذف کجاست  
هر کجا هستم باشم  
تربیه، نقلیه و دانشکده از آن من است  
چه اهمیت دارد، گاه اگر می‌روید خار بی‌نظمی‌ها  
رخت‌ها را بکنیم، پی ورزش برویم  
توپ در یک قدمی است  
و نگوییم که افتادن مفهوم بدی است  
و نخوانیم کتابی که در آن فرمول نیست  
و بدانیم اگر سلف نبود، همگی می‌مردیم  
و بدانیم اگر جزوه استاد نبود، همه می‌افتادیم  
و نترسیم از حذف و بدانیم اگر حذف نبود می‌ماندیم  
و نپرسیم کجاییم و چه کاری داریم  
و نپرسیم که در قیمة چرا گوشت نبود  
و اگر هست چرا یخ زده است  
بد نگوییم به استاد اگر نمره تک آوردیم  
کار ما نیست شناسایی مسئول غذا  
کار ما شاید این است که در حسرت یک صندلی  
خالی پیوسته شناور باشیم  
توی خانه انگار، پدرم بود که گفت:  
درس را خوب بخوان، درس را خوب بفهم  
بلکه چیزی بشوی  
درس را ول نکنیم  
چه کشنده است این درس  
چه خوش است دانشگاه  
سال‌بالایی‌ها چه صفایی دارند  
همه‌شان سنواتی، مدت‌ش افزون باد  
من ندیدم همه‌شان،  
بی‌گمان همه بیش از ده ترم است  
که همین جا ماندند  
همگی می‌دانند که تقلب خوب است  
و میان ترم، همیشه دو در است  
اصل پایان ترم است  
توی برگه کسی مسأله حل بشود، همگی باخبرند  
دمشان گرم بابا!  
سال‌بالایی‌ها درس را می‌فهمند  
ول نکردندش، ما نیز درس را ول نکنیم

{ محدثه نخودچی، کارشناسی حقوق ۹۴ }



# اقتصاد تکراری!

جامعه ایران در یک قرن و نیم گذشته تجربه کرده است نگاه کنیم و به نوآوری‌هایی که در علم، فرهنگ، فناوری، هنر و فلسفه رخ داده است توجه کنیم، به روشنی در خواهیم یافت که بخشی از این تحولات و نوآوری‌ها، محصول آشنایی جامعه و مردم ایران با نهادها و نوآوری‌های رخ داده در سرزمین‌ها و فرهنگ‌های دیگر هستند.

کسانی که راجع به اقتصاد و نظریه‌پردازان آن مطالعاتی داشته باشند، بی‌گمان نام افرادی چون آدام اسمیت، جان مینارد کینز و نام‌آورانی چون ژان باتیست سی، دومینیک سالواتوره و دیگر افراد سرآمد در این حوزه را شنیده‌اند. با کمی دقت درمی‌یابیم که تمامی اطلاعات و یافته‌های ما در این حوزه، مبتنی بر مبانی و اصول نظریه‌پردازی است که نام تنی چند از آنها ذکر شد و راه حل مسائل و مشکلات در اقتصاد ایران را رجوع به گفته‌های این افراد و پیاده‌کردن راه حل‌های آنها برای خروج از بحران می‌دانیم. کما اینکه در نظر نمی‌گیریم احتمال اینکه راه حل‌های ارائه شده توسط آنها در اینجا کارآمد نباشد، زیاد است و در این صورت نیز راه حلی دیگر را برمی‌گزینیم و به بن‌بست‌های دیگر خواهیم رسید. اینجا است که تحول باید در مبانی همه علوم، نه تنها حوزه اقتصاد، پدیدار شود.

اگر بخواهیم تحول رخ بدهد، باید به علوم انسانی نگاهی از بالا داشته باشیم و زمانی که وارد علوم انسانی می‌شویم، باید به گونه‌ای دقیق و عمیق به علوم انسانی بنگریم که بتوانیم به مبانی علوم انسانی پی ببریم. درحقیقت تحول باید در مبانی اتفاق بیفتد، نه در دستورالعمل‌ها و روش‌های جزئی.

{ فائزه اربابی، کارشناسی ارشد اقتصاد بازرگانی ۹۴ }

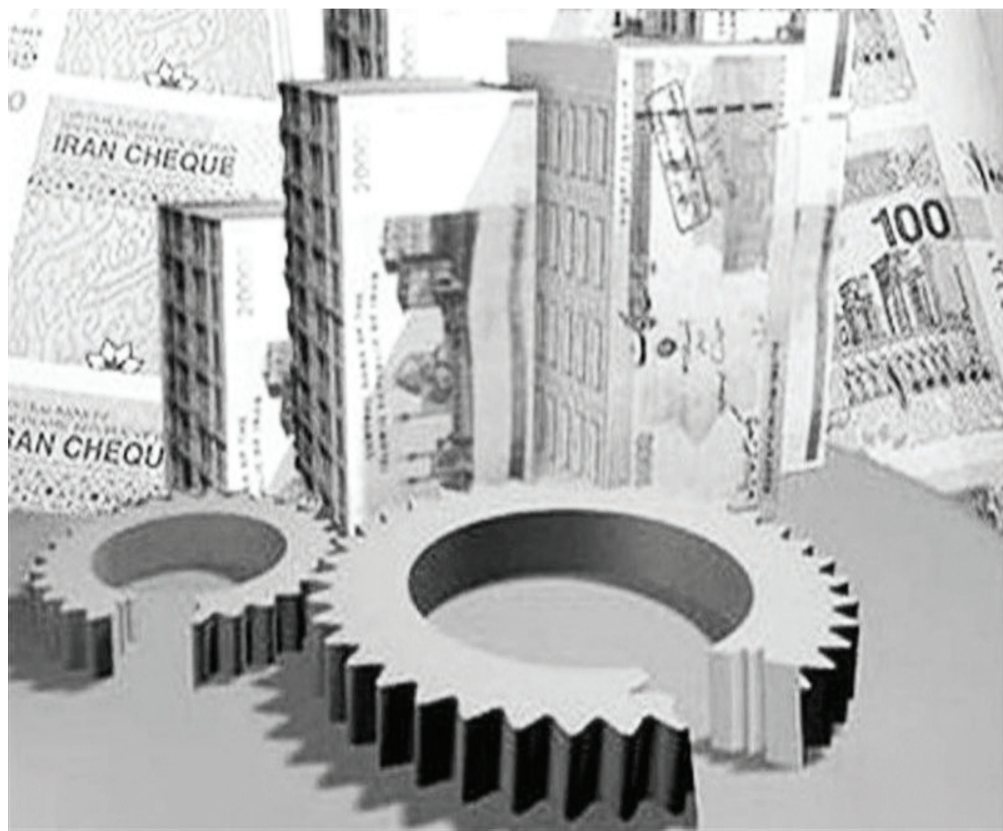
تقلید کورکورانه و به دور از آگاهی و از روی خودباختگی، از عوامل اصلی رکود و ایستایی است و هر جا که چنین مسأله‌ای رخ دهد، دلیلی بر به کارگرفتن اندیشه و جوشش فکر باقی نمی‌ماند و شخص تقلیدکننده، با سرسپردگی نابخردانه راه شکوفایی عقل را بر خود خواهد بست. تقلید کورکورانه از دیگران، اندیشه آدمی را در تنگنای چارچوب فکری دیگران به بند می‌کشد و توان پرواز در افق‌های تازه، روشن و دلخواه را از آدمی می‌ستاند.

حکیم سنایی غزنوی نیز افراد را از تقلید بدون بصیرت پرهیز می‌دهد: «تو چون موری و این راه است همچون موی بت رویان مرو زنه‌ار بر تقلید و بر تخمین و بر عمیا» این مقدمه مناسبی برای شروع نوشتن مطلبی است که شاید مختصر باشد، اما همگان به آن اعتقاد دارند.

علوم انسانی، جایگاه و موقعیت خاصی در پیشرفت علمی و نظریه‌پردازی‌های بومی دارد. یکی از راه‌های رشد علمی و تولید دانش در جامعه، نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی و تعیین حدود این علم است. خوشبختانه امروزه نقش علوم انسانی در پیشرفت علمی جامعه، برای اکثر نظریه‌پردازان و اندیشمندان مشخص گردیده‌است. از این رو، ارائه تعریف و حدودی معین برای علوم انسانی نقش مهمی در این امر خواهد داشت.

در دهه‌های اخیر، منازعات جالب توجهی درباره ماهیت علوم انسانی رخ داده است. «علوم انسانی در حوزه اقتصاد» زیرمجموعه‌ای از این مقوله است که همانند دیگر حوزه‌های علوم انسانی، از تقلیدگرایی و غرب‌زدگی بی‌نصیب نمانده‌است.

قریب به هشتاد درصد از منابع این رشته، نظریه‌پردازی‌های غربی است که وارد کشور شده و از طریق ترجمه، مورد استفاده ما قرار گرفته است. اگر امروز به تحولاتی که



## حکایت

### مُلک هنر

حکیمی پسران را پند همی داد که جانان پدر هنر آموزید که مُلک و دولت دنیا اعتماد را نشاید و سیم و زر در سفر به محل خطر است یا دزد به یک بار ببرد یا خواجه به تفاریق بخورد. اما هنر چشمه زاینده است و دولت پابنده و اگر هنرمند از دولت بیفتد غم نباشد که هنر در نفس خود دولت است؛ هر جا که رود قدر بیند و بر صدر نشیند و بی هنر لقمه چیند و سختی بیند.

سخت است پس از جاه، تحکم بردن خو کرده به ناز، جور مردم بردن { گلستان سعدی، باب هفتم در تأثیر تربیت، حکایت دوم }

## اندیشه



Sanad.um.ac.ir/AndishePaydar

## دعوت نامه

تحول خواهان و دغدغه مندان حوزه تحول در علوم انسانی «انجمن علمی بین رشته ای تحول در علوم انسانی» و نشریه «اندیشه پایدار» دانشگاه فردوسی مشهد، برای پیمودن مسیر پیشرفت، از شما دعوت به همکاری می نماید.

### ارتباط با ما

کانال تلگرام: @ensanifum  
شماره تماس: ۰۹۳۶۷۶۴۹۷۷۷  
رایانامه: anjoman.tahavol@gmail.com  
hallaj2013@gmail.com

## ۱. برگزاری کنفرانس «دوره های تحصیلی بین المللی در علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: فرصت ها، چشم اندازها و چالش ها» در دانشگاه ماینتس آلمان

دانشگاه ماینتس آلمان کنفرانسی با عنوان «دوره های تحصیلی بین المللی در علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: فرصت ها، چشم اندازها و چالش ها» را در تاریخ ۲۹ و ۳۰ ژوئن سال ۲۰۱۷ میلادی مصادف با ۸ و ۹ تیرماه سال ۱۳۹۶ هـ ش برگزار می کند.

این کنفرانس به ابعاد مهم بین المللی شدن آموزش در علوم انسانی و مطالعات فرهنگی می پردازد و بر جنبه های کلیدی زیر تمرکز دارد:

- تنوع زبانی: اکثر دوره های تحصیلی بین المللی، زبان انگلیسی را به عنوان زبان تدریس و آموزش استفاده می کنند. اما آیا این تنها راه حل است و یا ایده های دیگری هم برای حمایت از تنوع زبانی ای که خود یکی از جنبه های اصلی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محسوب می شود، وجود دارد؟
- کلاس های بین المللی: دانشجویان دوره های تحصیلی بین المللی یک گروه به شدت ناهمگن را تشکیل می دهند. ما چگونه می توانیم بین پس زمینه های متفاوت دانشگاهی، اجتماعی و فرهنگی دانشجویان پل بزینیم و بین آنها با برنامه های درسی ارتباط برقرار کنیم؟
- اشتغال: انتقال از محیط دانشگاه به زندگی کاری یک چالش است، به ویژه برای دانشجویان علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. آیا ما می توانیم رویکردها و فعالیت های مناسبی برای حمایت از قابلیت های محل کار و اشتغال پیدا کنیم که بتوانند دوره های مطالعات ملی و بین المللی هماهنگی داشته باشند؟

این کنفرانس در قالب یک کارگاه برنامه ریزی شده که تمرکز آن بر شبکه سازی و تبادل نظر بین همکاران و نهادها است، برگزار می شود و پس از سخنرانی مقدماتی، بهترین نمونه های عملی معرفی می شوند و بحث هایی در قالب میزگرد دنبال می شوند که در طی آن از همه شرکت کنندگان دعوت می شود تا راه حل ها و ایده های پیشگامانه شان را مطرح کنند.

## ۲. فراخوان همایش «تحول در علوم انسانی از دیدگاه امام خامنه ای»

این همایش از سلسله همایش های دبیرخانه دائمی همایش های دوسالانه بررسی و تبیین نواندیشی های مقام معظم رهبری در عرصه های فکری و اجتماعی است که به همت پژوهشکده تحول و ارتقاء علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز در مهرماه ۱۳۹۶ برگزار خواهد شد.

زمان بندی همایش:

آخرین مهلت ارسال چکیده: ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۶  
آخرین مهلت ارسال اصل مقاله: ۱۵ مرداد ۱۳۹۶  
تاریخ برگزاری: ۱۹ و ۲۰ اسفند ۱۳۹۶

## ۳. برگزاری دومین همایش بین المللی «ضرورت گفتگو در علوم انسانی؛ جهانی سازی علوم انسانی-اجتماعی» در تاریخ ۶ و ۷ اردیبهشت ۱۳۹۶ در دانشگاه خوارزمی تهران

محورهای این همایش شامل تفاوت علوم انسانی-اجتماعی جهانی، بین المللی، محلی و محلی-جهانی، تأثیر جهانی شدن بر نقش و کارکرد اندیشمندان علوم انسانی-اجتماعی ایران، نسبت میان علوم انسانی-اجتماعی جهانی و علوم انسانی-اجتماعی ایران، ظرفیت های علوم انسانی-اجتماعی ایران در جهت تولید یک دانش بومی محلی، گفتمان های جهانی شدن و علوم انسانی-اجتماعی ایران و چالش های جهانی شدن برای علوم انسانی-اجتماعی ایران است.

نشانی سایت همایش برای ارسال آثار: [www.icgssh.khu.ac.ir](http://www.icgssh.khu.ac.ir)

نشانی دبیرخانه همایش: تهران، خیابان مفتاح جنوبی، بین خیابان سمیه و انقلاب، دانشگاه خوارزمی شماره تماس: ۰۲۱-۸۶۰۷۲۷۸۹

دومین همایش بین المللی  
ضرورت گفتگو در علوم انسانی

جهانی سازی علوم انسانی - اجتماعی

[icgssh.khu.ac.ir](http://icgssh.khu.ac.ir)